

نامه جامعه  
فصلنامه علمی تخصصی معارف اسلامی  
سال شانزدهم - شماره ۱۲۸ - زمستان ۱۳۹۷

## بررسی تطبیقی زندگی حضرت حواء عَلَيْهَا السَّلَامُ در تفاسیر فریقین

محدثه حق پرست<sup>۱</sup>

### چکیده

بنا به یادکرد قرآن کریم، حضرت آدم و حواء، پدر و مادر تمام انسان‌ها هستند که با هبوطشان به زمین، زندگی انسان بر روی کره خاکی رقم خورد. هدف از انجام این پژوهش، بررسی زندگانی ام‌البشر، حضرت حواء در تفاسیر شیعه و سنی و نیز منابع روایی این دو فرقه به روش توصیفی است. پژوهش حاضر علاوه بر پرداختن به بحث‌های زمان و مکان و کیفیت خلقت، گناه و هبوط ایشان و... تلاش می‌کند در موارد اختلافی آیات مرتبط به حضرت حواء، قول صحیح را بیان کرده و شبهات را پاسخ دهد. این مطالعه نشان می‌دهد خداوند از گل، آدم و با بخشی از آن، حواء را آفریده است و اینکه در قرآن می‌فرماید: ﴿خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا﴾ منظور این است که حواء را از جنس آدم خلق کرده است. حواء نقشی در وسوسه آدم نداشته و شیطان، هر دوی آنها را وسوسه کرده است؛ بر این اساس، روایاتی که حواء را باعث گناه آدم عنوان می‌کنند، اسرائیلیاتی هستند که به منابع اسلامی نفوذ کرده‌اند و نمی‌توان به آنها اعتماد کرد. **واژگان کلیدی:** بررسی تطبیقی، ام‌البشر، حواء، آدم، تفاسیر فریقین.

۱. دانش‌آموخته سطح ۳ تفسیر و علوم قرآن، جامعه الزهراء عَلَيْهَا السَّلَامُ، zeynabkhanom92@gmail.com

## مقدمه

خداوند در قرآن کریم آیاتی را به خلقت انسان های نخستین یعنی حضرت آدم و حواء اختصاص داده و در روایات نیز مطالبی درباره آنها آمده است. درباره حضرت آدم و زندگانی ایشان پژوهش ها و آثار بیشتری انتشار یافته است؛ اما در مورد حضرت حواء این چنین نیست. لذا در این مقاله به مباحث مرتبط با زندگانی ایشان در آیات و روایات تفاسیر فریقین پرداخته شده و در موارد اختلافی تلاش شده، ضمن بیان مستندات، قول صحیح گزینش شود.

در این مقاله، پس از مفهوم شناسی و وجه نامگذاری ایشان به حواء و بیان کنیه ها و القاب ایشان، با تاکید بر روایات تفسیری فریقین به این سوالات پاسخ داده خواهد شد که زمان خلقت ایشان کی و در چه مکانی بوده است؟ چه میزان عمر کرده و محل دفن ایشان کجاست؟ ازدواج ایشان با حضرت آدم چگونه بوده و چه نقشی در هبوط حضرت آدم داشته است؟

چگونگی خلقت اولین موجودات توسط خداوند، همواره مورد توجه نویسندگان بوده است. درباره پیشینه این موضوع نیز می توان گفت کتب تاریخی مانند: قصص الانبیاء قطب الدین راوندی، قصص الانبیاء نعمت الله جزایری و تاریخ طبری، به این موضوع پرداخته اند. همچنین کتب تفسیری، ذیل آیات مورد نظر و کتب تاریخی در عصر حاضر نیز در این موضوع مطالبی نگاشته اند؛ مانند: کتاب قصص قرآن سیدهاشم رسولی محلاتی و قصص الانبیاء ثعلبی که دارای شیوه الگودهی مناسبی بودند و نیز کتاب حیوة القلوب علامه مجلسی و قصص الانبیاء جزایری که ضمن استفاده از منابع دست اول، منابع زیادی را معرفی کرده اند.

برای آشنایی با کتاب های دیگر در این زمینه می توان به جلد هفدهم کتاب الذریعه الی تصانیف الشیعه آقابزرگ تهرانی مراجعه کرد؛ اما آنچه تاکنون نوشته شده، بیشتر در مورد حضرت آدم بوده و کمتر به حضرت حواء پرداخته شده است. علاوه بر این، بیشتر آنچه در کتاب های قصص قرآن آمده، به شکل داستان بوده و به طور مستند و مستقل درباره حضرت حواء بحث نشده است. همچنین در مقالات، بیشتر به کیفیت خلقت حضرت حواء پرداخته شده است؛ اما این مقاله درصدد است به طور مستقل به زندگانی حضرت حواء در تفاسیر فریقین بپردازد و در خصوص ایشان بحث کند.

## ۱. مفهوم شناسی حواء

### ۱.۱. معنای لغوی

واژه حواء از ریشه «ح و ی» است (فراهیدی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۳۱۸؛ ازهری، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۱۸۹؛ طریحی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۱۲؛ راغب اصفهانی، بی تا، ص ۲۷۱ و ابن منظور، ۲۰۰۰، ج ۱۴، ص ۲۰۶). برخی نیز آن را از ریشه «ح و و» دانسته‌اند (حسینی زبیدی، بی تا، ج ۱۰، ص ۱۰۳؛ درید، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۲ و فیروزآبادی، بی تا، ج ۴، ص ۳۴۹). در کتب لغت، معانی گوناگونی برای این ریشه ذکر شده است:

۱. جمع کردن (فراهیدی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۳۱۸؛ ازهری، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۹۴۷؛ حسینی زبیدی، بی تا، ج ۱۰، ص ۱۰۳؛ خوری شرتونی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۷۵۵؛ زمخشری، ۲۰۱۰، ج ۱، ص ۲۲۵؛ فیروزآبادی، بی تا، ج ۴، ص ۳۲۳؛ قرشی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۲۰۵ و طریحی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۷۷).

۲. دارنده چیزی شدن (فراهیدی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۳۱۸؛ ازهری، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۹۴۷؛ حسینی زبیدی، بی تا، ج ۱۰، ص ۱۰۳ و خوری شرتونی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۷۵۵).

۳. چیره شدن (مقری فیومی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۱۵۸؛ طریحی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۷۷ و انیس، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۰).

۴. ضمیمه کردن (مقری فیومی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۱۵۸ و طریحی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۷۷).

بنابراین می توان گفت: این ریشه، مرکب از این قیود است: اشتمال و ضم به دیگری به طوری که بر آن چیره شود و آن را جمع کند (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۳۲۲).

۵. «حوة» به معنای: الف: سرخ مایل به سیاه (جوهری، ۱۳۹۹، ج ۶، ص ۲۳۲۲؛ ابن منظور، ۲۰۰۰، ج ۴، ص ۲۸۰؛ فیروزآبادی، بی تا، ج ۴، ص ۳۲۳؛ حسینی زبیدی، بی تا، ج ۱۰، ص ۱۰۲ و طریحی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۷۷).

ب: سیاه مایل به سبز (ابن منظور، ۲۰۰۰، ج ۴، ص ۲۸۱؛ فیروزآبادی، بی تا، ج ۴، ص ۳۲۳؛ حسینی زبیدی، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۳ و خوری شرتونی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۷۵۴) نیز آمده است.

۶. گیاه معروف (فراهیدی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۳۱۹).

۷. برخی حواء را واژه‌ای عبری و به معنای حیات می دانند (هاکس، ۱۳۸۳، ص ۳۳۶).

در بعضی کتب لغت اشاره شده که حواء نام همسر آدم علیه السلام است (ابن منظور، ۲۰۰۰، ج ۴، ص ۲۸۱؛ فیروزآبادی، بی تا، ج ۴، ص ۳۲۳؛ انیس، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۰ و طریحی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۷۷). بنابراین حواء از ریشه "ح و ی" و به معنی جمع کردن، دارنده چیزی شدن، چیره شدن و ضمیمه کردن است. برخی

نیز آن را به معنای رنگ، گیاه و حیات دانسته‌اند؛ اما معنای مورد نظر در اینجا همان حواء، همسر حضرت آدم است.

## ۱.۲. وجه نام‌گذاری

درباره علت نام‌گذاری نخستین زن به نام حواء اقوالی وجود دارد:

۱. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «سُمِّيَتْ حَوَاءٌ حَوَاءً لِأَنَّهَا خُلِقَتْ مِنْ حَيٍّ؛ حواء، حواء نامیده شد، چون (بدن او) از (باقی مانده گل) موجود زنده (آدم) خلق گردیده است.» در روایات دیگر نیز از ابن عباس و ابن مسعود این وجه تسمیه آمده است (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۶؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۳۲۴؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۹؛ طریحی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۱۲؛ ثعلبی، ۲۰۰۹، ص ۲۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۵۲؛ طبری، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۷۰؛ رازی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۱۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۹۴ و عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۲۹).
۲. براساس روایتی دیگر، وجه نام‌گذاری چنین است: «سُمِّيَتْ حَوَاءٌ لِأَنَّهَا أُمُّ كُلِّ حَيٍّ؛ حواء، حواء نامیده شد چون مادر تمام انسان‌های زنده است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۷، ص ۲۶۵؛ زهری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۵۲ و زهری، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴). در کتاب مقدس نیز چنین آمده که آدم زن خود را حواء نامید، زیرا مادر تمام زندگان است (کتاب مقدس، سفر پیدایش، باب سوم، ص ۵).

به هر حال می‌توان گفت به علت آفرینش بدن حواء از باقی مانده گل موجود زنده (آدم)، یا به دلیل این که حواء در آینده، مادر همه انسان‌های زنده خواهد بود، این نام بر آن بانو نهاده شده است و معنای اصطلاحی این نام، به ریشه لغوی اش در عربی، ربطی ندارد.

## ۲. کنیه‌ها و القاب

مشهورترین کنیه حضرت حواء، ام‌البشر است که در تعداد زیادی از روایات آمده است (مفید، ۱۴۱۳، ص ۴۲۷؛ کوفی، ۱۴۱۰، ص ۶۸۷؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۱۳۳ و بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۸۰۶). از کنیه‌های دیگر وی می‌توان به: ام‌الانبياء، ام‌الأئمه، ام‌فاطمه، ام‌هابیل و

ام شیث (احمدی خراسانی، ۱۳۸۰، ص ۳۷) اشاره کرد. در مورد القاب آن حضرت در فرازی از دعای ام داود، صفات «مطهره، مفضّله و متردّده» برای ایشان بیان شده و از او به پاکی از پلیدی و برتر از بشر و رفت و آمدکننده در مکان‌های قدسی یاد شده و درود و صلوات خداوند برای او خواسته شده است (مفاتیح الجنان، دعای ام داود).

### ۳. زمان و مکان خلقت حضرت حواء

#### ۳.۱. زمان خلقت

براساس آیه اول سوره نساء، خلقت حواء بعد از خلقت آدم علیه السلام بوده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» بنابراین با دانستن زمان خلقت آدم می‌توان به زمان خلقت حواء پی برد.

طبق روایات، خداوند بعد از خلقت آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها و درختان و ... آدم را خلق کرده و خلقت ایشان در آخرین ساعات روز جمعه واقع شده است (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۳۶؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۳۸۲-۳۸۳؛ ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۲۵، ص ۲۳ و طبری، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۷۸). در روایات مکرر از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که خداوند، آدم را در روز جمعه آفرید و در روز جمعه از بهشت بیرون کرد و در روز جمعه، توبه وی را پذیرفت و در روز جمعه جانش را گرفت (طبری، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۷۵ و سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۵۱).

برخی مفسرین قائل شده‌اند که زمان خلقت حضرت حواء بعد از تعلیم اسماء به آدم و امر به سجده برای ایشان و نافرمانی ابلیس و قبل از هبوط به زمین بوده است (شیرازی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۸۴).

#### ۳.۲. مکان خلقت

درباره مکان خلقت حواء اختلاف است. براساس روایتی از ابن‌عباس، ابن‌مسعود و گروهی از صحابه، آفرینش حواء در بهشت بوده است. طبق این روایت، خداوند پس از بیرون راندن ابلیس از بهشت و سکونت دادن آدم در آن، چون تنهایی او را دید، حواء را آفرید (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۹؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۹۴؛ شیرازی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۸۵؛ رازی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۴۵۱؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱،

ص ۱۸۲: ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۴۱؛ میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۴۷؛ زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۴۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۵۲ و رازی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۱۶). این روایت، همان گزارش تورات است (سفر پیدایش، باب دوم). روایت دیگری از ابن عباس نیز وجود دارد که دال بر خلقت حضرت حواء بیرون از بهشت و قبل از ورود آدم و ایشان به بهشت است. طبق این روایت، خداوند فرشتگان را مأمور می‌کند تا آدم و حواء را که لباسی از نور بر تن داشتند، بر تختی از طلا وارد بهشت کنند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۹۴؛ شیرازی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۸۵؛ طبری، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۸۳ و رازی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۴۵۱). بعضی پنداشته‌اند که دو یا سه ساعت از روز جمعه گذشته بود که خداوند آدم و حواء را در بهشت سکونت داد (طبری، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۷۹). طبق این نظر نیز خلقت حواء در بیرون از بهشت بوده است.

برخی دیگر از مفسران معتقدند: سیاق بعضی از آیات نیز مؤید خلقت حواء در بیرون از بهشت است مانند آیه: «وَيَادُّمُ اسْكُنُ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ» (اعراف: ۱۹) (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۹؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۴۱ و زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۱۴). به نظر می‌رسد چون در آیه، واژه «اسْكُنُ» آمده نه «أَدْخُلُ»، می‌توان گفت: آیه دلالت بر خلقت بیرون از بهشت نمی‌کند؛ چون می‌تواند خلقت در بهشت باشد و سپس خداوند به آدم بفرماید با همسرت در بهشت سکونت کنید و آن را جایگاه خود قرار دهید. اگر در آیه آمده بود در بهشت داخل شو، دال بر این بود که خلقت در بیرون از بهشت بوده است. در نتیجه، زمان خلقت حضرت حواء بعد از خلقت حضرت آدم بوده است؛ اما در مورد مکان خلقت ایشان اختلاف است. برخی قائل به بیرون از بهشت و بعضی نیز معتقدند داخل در بهشت بوده است.

#### ۴. چگونگی آفرینش حضرت حواء

در قرآن هیچ تصریحی به چگونگی خلقت حواء نشده و تنها در سه جا آمده که خداوند انسان‌ها را از نفس واحد و همسرش را از وی پدید آورده است. یکی از این موارد، آیه ذیل است: «يَأْتِيهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (نساء: ۱). مصداق بارز و نخستین مصداق نفس واحد، آدم عليه السلام است و طبق این آیه، حقیقت حضرت آدم و حواء یکی است و آن حقیقت واحد، انسانیت است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۱۰۶-۱۰۷).

خداوند در این آیه با عبارت «وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» به چگونگی آفرینش حواء اشاره می‌کند. مفسران در تفسیر این جمله، دو دسته‌اند:

۱. گروهی با استناد به روایاتی که خلقت حواء را از دنده چپ آدم می‌دانند، «من» را بعضیه دانسته‌اند. از مفسران نخستین، مثل ابن عباس، ابوهیریه، قتاده، مجاهد، سدی و حسن، گزارش‌هایی به این مضمون آمده است (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۳۹۳؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۵؛ رازی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۴۷۷ و سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۱۶). برخی این تفسیر را به اکثریت مفسران نسبت می‌دهند (طبری، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۵؛ رازی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۴۷۷ و رازی، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۲۳۴). در منابع شیعی، احادیثی در تأیید این نظر وجود دارد (طبری، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۵؛ رازی، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۲۳۴؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۰ و عباشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۱۵). این گروه به این قسمت آیه استدلال کرده‌اند که خداوند فرموده است: شما را از یک نفس خلق کرده و اگر حواء از آدم خلق نشده باشد، یعنی انسان‌ها از دو نفس خلق شده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۴۵؛ جزایری، ۱۴۲۳، ص ۶۲؛ رازی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۴۷۸؛ مراغی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۷۶ و زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۳۹).

دلیل دیگر این گروه، روایاتی است که مطرح می‌کنند: وقتی آدم خواب بود، خداوند حواء را از دنده کوچک او آفرید و به جای آن دنده، گوشت رویانده است (جزایری، ۱۴۲۳، ص ۶۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۲۲۲؛ عباشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۱۵؛ رازی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۴۵۱؛ میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۴۷؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۵۰؛ ثعلبی، ۲۰۰۹، ص ۲۹؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۴۱؛ زهری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۰ و سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۵۲).

قائلین این نظر به احادیث دیگری نیز تمسک جسته‌اند؛ از جمله: «خداوند آدم را از گل و حواء را از آدم خلق کرده، لذا همت و سعی مردان در آب و گل، و تلاش زنان در رسیدن به مردان می‌باشد» (راوندی، ۱۴۰۹، ص ۴۲؛ جزایری، ۱۴۲۳، ص ۶۲؛ عباشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۱۱۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۱۶؛ طبری، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۹۴؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۰ و عروسی‌حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۳۴).

در روایت دیگری گفته شده: «با زنان به نیکی رفتار کنید، چون زن از دنده کج خلق شده، که اگر راستش کنید، می‌شکند و اگر با او مدارا کنید، منتفع می‌شوید» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۵۵؛

مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۲۲۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۹۲؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۷؛ پاینده، بی تا، ص ۲۱۰؛ رازی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۴۷۷؛ مراغی، بی تا، ج ۴، ص ۱۷۷؛ زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۳۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۵۲ و رازی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۱۷).

برخی مفسران با پذیرش خلقت حواء از دنده چپ آدم، به بیان حکمت آن پرداخته‌اند. آلوسی آن را نشانه‌ای از قدرت خداوند دانسته که همان‌گونه که می‌تواند موجودی را از گل بیافریند، می‌تواند آن را از موجودی زنده و از غیر راه زاد و ولد نیز خلق کند (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۹۳). برخی دیگر، حکمت این نوع خلق را گرایش بیشتر هر موجودی به هم جنس خود دانسته‌اند (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵، ص ۸۹). صدر المتألهین از این مطلب برای تبیین مراتب عالم وجود بهره گرفته است (شیرازی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۸۶).

گروه دیگری از مفسران، «من» را در این جمله، جنسیه دانسته‌اند؛ یعنی خداوند حواء را از جنس آدم آفرید تا با او انس گیرد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۲۲۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۴۶؛ بنیسی، بی تا، ص ۶۰؛ مراغی، بی تا، ج ۱، ص ۹۳؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۸۰؛ رازی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۴۷۸ و آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۹۲). در منابع اهل سنت، در تأیید این نظر روایتی از پیامبر نیست؛ ولی در منابع شیعی، روایاتی از ائمه گزارش شده که در رد نظر گروه اول بیان خواهند شد.

مفسران در رد نظر گروه اول دلایلی را بیان کرده‌اند:

۱. در جواب به استدلالشان به قسمت اول آیه یک سوره نساء می‌توان گفت: مراد از آیه این است که شما را از یک پدر خلق کرده است و این مطلب منافاتی با دخالت داشتن مادر ندارد و ممکن است «من» در این آیه، ابتدائیه باشد؛ یعنی وقتی می‌گوید شما را از نفس واحد آفریده، به این معناست که ابتدای خلقت با آدم واقع شده و خداوند او را اول آفریده است (مجلسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۹۸؛ جزایری، ۱۴۲۳، ص ۶۲ و رازی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۴۷۸).

۲. در آیاتی که در مورد آفرینش مطلق انسان‌ها سخن گفته شده، نظیر جمله «خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» به کار رفته است؛ مانند آیه: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا...» (روم: ۲۱). این آیه مربوط به تمام انسان‌هاست و «من» در آن جنسیه است؛ زیرا آفریده شدن هر زنی از پیکر همسرش نمی‌تواند مراد باشد و مراد این است که جفت او را از جنس و نوع آن نفس، آفریده



- است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۱۵؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۸۰؛ سبحانی، بی تا، ج ۱۱، ص ۱۱۰؛ مجلسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۹۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۴۶؛ زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۴۰؛ مراغی، بی تا، ج ۱، ص ۹۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۹۲ و رازی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۴۷۸).
۳. ممکن است «مین» در آیه، تعلیلی باشد؛ یعنی به خاطر آن نفس، جفت او را خلق کرد (مجلسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۹۹ و جزایری، ۱۴۲۳، ص ۶۲).
۴. در بعضی روایات، چنین آفرینشی یعنی آفرینش حواء از دنده چپ آدم، به شدت تکذیب شده است. مانند روایتی از امام باقر و امام صادق (ع) که در جواب به کسانی که قائلند خداوند حواء را از دنده آدم خلق کرده، گفته اند: آیا خداوند عاجز است که او را از غیر دنده آدم خلق کند؟ و در ادامه می فرمایند: خداوند حواء را از باقی مانده و اصل گل آدم خلق کرده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۷۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۵؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۲۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۱۴؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۱۶؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۲۲۱ و سبزواری، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۲۳۴). در حدیث دیگری گفته شده: «پاک و منزه است خداوند از اینکه کاری کند که بعض آدم با بعضش نکاح کند» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۸۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۳۵۲؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۲ و عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۳).
۵. در روایتی از پیامبر (ص) و امام باقر (ع) آمده: «خداوند حواء را از اصل و باقی مانده گل آدم (ع) خلق کرده است (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۷۱؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۱۶؛ طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۹۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۹۹؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۰ و عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۳۴). در روایت دیگری آمده که خداوند مقداری گل برداشت و آدم را از آن خلق کرد و مقداری از آن گل ماند، سپس از آن، حواء را آفرید (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۱؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۲۹ و عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۱۶). بر اساس این روایات، برخی از نویسندگان، روایات خلقت حواء از دنده چپ آدم را حمل بر تقیه کرده اند (جزایری، ۱۴۲۳، ص ۶۲؛ مجلسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۹۹ و احمدی خراسانی، ص ۳۴) یا گفته اند مراد این است که حواء از زیادی گل مانده از دنده چپ آدم، نه از دنده خلق شده است (سبزواری، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۲۳۴؛ جزایری، ۱۴۲۳، ص ۶۲؛ مجلسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۹۹؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۸۰ و شیرازی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۸۶). این مطلب در حدیثی از پیامبر نیز آمده است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۳۴).

۶. روایاتی که این گروه به عنوان دلیل آورده‌اند، شبهه اسرائیلی بودن دارند، زیرا مشابه آن در تعالیم تحریف شده عهد عتیق موجود است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۱۸۱)؛ مثلاً در باب سوم از سفر پیدایش چنین آمده: «خداوند خوابی گران بر آدم مستولی گرداند تا بخفت و یکی از دنده‌هایش را گرفت و گوشت در جایش پر کرد (سفر پیدایش: باب سوم). وهن تعبیر، سستی تعلیل و خفیف بودن محتوا، از علائم عدم استناد این مطلب به کتاب اصیل آسمانی است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۱۸۲). لذا این دیدگاه برگرفته از اسرائیلیات است و روایات مورد استنادش ساخته علمای یهود است که وارد احادیث اسلامی گردیده است (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۷۹؛ قاسمی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۳؛ سبحانی، بی تا، ج ۱۱، ص ۱۱۱ و احمدی خراسانی، ۱۳۸۰، ص ۳۴).
۷. به گفته برخی مفسرین، روایات دال بر خلقت حواء از دنده چپ آدم، شایعاتی هستند که منبع صحیحی ندارند و قابل اعتماد نیستند و به فرض صحت، مراد از آنها اشاره به مساوات بین زن و مرد است (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۸۵). بعضی نیز بیان کرده‌اند که نمی‌توان آیه را بر خلقت حواء از دنده آدم حمل کرد؛ زیرا این قول مطابق با سفر تکوین تورات است. همچنین قائل شده‌اند که بیشتر از یک مفسر، «من» را در این آیه جنسیه دانسته‌اند (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۷۹).
۸. بعضی مفسران قائلند همان طور که خداوند قادر به خلقت آدم از خاک است، همچنین قادر است حواء را نیز از خاک خلق کند و آفرینش حواء از دنده آدم، کاری بی فایده است (رازی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۴۷۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۹۲ و جزایری، ۱۴۲۳، ص ۶۲).
۹. برخی نیز این نظر را فاقد دلیل قرآنی دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۱۶ و رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۷۹).
- با توجه به عطف همسر آدم به آدم در آیه، کیفیت آفرینش و مراحل خلقت حواء نیز مانند آدم خواهد بود؛ یعنی همسر آدم را از جنس او و هر دوی آنها را از خاک آفریدند (سبحانی، بی تا، ج ۱۱، ص ۱۱۰). طبق آنچه بیان شد به این نتیجه می‌رسیم که خداوند گلی را فراهم کرده و با بخشی از آن، بدن آدم و با بخش دیگر، بدن حواء را آفریده است؛ اما اینکه در قرآن گفته: «خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» منظور این است که حواء را از جنس آدم خلق کرده است و روایاتی که دال بر خلقت حواء از دنده چپ آدم هستند، اسرائیلیات بوده که قابل استناد نیستند و دلایل رد آنها نیز مطرح شد.

## ۵. ازدواج حواء

در قرآن کریم حرفی از ازدواج آدم و حواء زده نشده است؛ جز اینکه در آیاتی، حواء را با عنوان زوج آدم مطرح کرده است (نساء: ۱ و اعراف: ۱۹ و ۱۸۹).

بر اساس آنچه در روایات آمده، پس از آفرینش حواء، آدم از او خواست که نزد وی برود؛ ولی حواء امتناع کرده و گفته که آدم باید پیش وی برود. خداوند نیز از آدم خواسته که چنین کند و نزد حواء برود و رسم خواستگاری مرد از زن، از آن زمان بر جای مانده است (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۲۲۱ و بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۲).

طبق روایتی دیگر، پس از آفرینش حواء، آدم تمایل خود را به وی ابراز کرد؛ ولی ملائکه او را بازداشتند و آن را مشروط به ادای مهریه کرده‌اند (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۹۹؛ ثعلبی، ۲۰۰۹، ص ۲۹ و رازی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۱۶).

این مهریه در روایات به شکل‌های مختلف مطرح شده است:

الف: تعلیم آموزه‌های دین به حواء (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۲۲۱ و بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۲).

ب: سه بار صلوات بر محمد ﷺ (ثعلبی، ۲۰۰۹، ص ۲۹) و آل محمد (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۹۹ و رازی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۱۶).

ج: ده بار صلوات بر محمد ﷺ و آل محمد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۵، ص ۲۲).

د: در روایتی هم مهریه حواء، طلا و نقره دانسته شده است (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۵۶). طبق آنچه بیان شد می‌توان گفت مهریه حواء به صورت مادی و یا معنوی بوده است که تناقضی باهم ندارند و هر دو می‌تواند صحیح باشد.

## ۶. گناه حواء

بر اساس برخی آیات، نخستین گناه آدم و حواء، یعنی خوردن از درخت ممنوعه، به دلیل وسوسه شیطان بود. شیطان از همان آغاز، متوجه آدم و حواء بود و نه فقط حواء؛ به طوری که در مکالمات خود، هر دو آنها را مخاطب خود قرار داده است (بقره: ۳۶ و اعراف: ۲۰-۲۲). البته در یک آیه،

خداوند تنها آدم را مخاطب شیطان قرار داده و در ادامه، او را عاصی خوانده است (طه: ۱۲۰ و ۱۲۱).  
به نظر می‌رسد از ظاهر آیات می‌توان استفاده کرد که شیطان، به وسوسه هر دو پرداخته است  
که در ابتدا آدم فریب خورد و حواء از او پیروی کرده است.

طبق این آیات، آثار گناه آدم و حواء، آشکار شدن زشتی‌ها (اعراف: ۲۰ و ۲۲ و طه: ۱۲۱)، ظلم به  
خویش (بقره: ۳۵ و اعراف: ۱۹)، محرومیت از مقام قرب (اعراف: ۱۹ و ۲۰ و ۲۲) و هبوط (بقره: ۳۶ و اعراف: ۲۴)  
و طه: ۱۲۳) بوده است.

در منابع شیعی روایاتی هماهنگ با ظاهر این آیات وجود دارد. براساس یکی از آنها، پیامبر ﷺ  
در شب معراج، شاهد مناظره آدم و موسی بوده و آدم در جواب سرزنش موسی بابت خوردن از درخت  
ممنوعه، به قسم خوردن اشاره شیطان کرده و گفته که گمان نمی‌کرده کسی بتواند سوگند دروغ  
به خداوند بخورد (رسولی محلاتی، ۱۳۶۱، ص ۱۵). در روایت دیگری آمده، هنگامی که آدم از بهشت  
خارج شد، جبرئیل بر او نازل شد که چرا گناه کردی؟ او گفت: ابلیس برای من به خدا قسم خورد  
که ناصح من است و من گمان نمی‌کردم مخلوقی که خدا آفریده، به خداوند قسم دروغ بخورد  
(ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱، ص ۱۹۲؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۸۱ و قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۴). در این احادیث،  
به نقش تشویقی حوا اشاره نشده است.

طبق تورات، حواء زمینه گناه نخست را برای آدم فراهم ساخته است؛ چون مار (شیطان)  
ابتدا سراغ حواء رفته و با این سخن که خوردن از میوه درخت ممنوعه باعث آگاهی او به خیر و  
شر می‌شود، او را فریب داده است. حواء نیز پس از خوردن، از آن میوه برای آدم می‌برد و خداوند  
برای مجازات وی، رنج دوران بارداری، درد زایمان و تسلط مرد بر زن را قرار می‌دهد. کتاب مقدس  
نیز از زبان آدم، حواء را عامل طمع خویش در میوه ممنوعه دانسته و حواء، گناه آن را به گردن مار  
انداخته است (کتاب مقدس، سفر پیدایش: باب سوم، ص ۴).

در منابع اهل سنت، روایاتی هماهنگ با تورات آمده است. از جمله: شیطان خود را به جنبندگان  
عرضه کرد و هیچ کدام به جز مار، قبول نکردند. سپس شیطان در دهان مار رفت و حواء را فریب داد  
و از آن میوه خورد. در آن هنگام، حواء به آدم گفت که مشکلی برای من پیش نیامد، پس تو هم  
از آن بخور و آدم هم خورد (طبری، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۷۲ و سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۵۳). در حدیثی منسوب

به پیامبر و به نقل از ابوهیریره آمده است که اگر حواء نبود، هیچ زنی به همسرش خیانت نمی‌کرد (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۵۴).

بر اساس برخی روایات اهل سنت، حضرت آدم علیه السلام، همسرش را کمک‌کننده بر گناه و زینت‌دهنده این کار دانسته است (همان). در حدیثی دیگر آمده که از آدم پرسیدند: چرا از درخت خوردی؟ گفت: حواء مرا به انجام این کار امر کرد (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۷۳). همچنین بیان شده حضرت آدم در هنگام وفاتش، حواء را که به بالینش آمده بود، طرد کرده و او را عامل تمام گرفتاری‌های خود خوانده است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۹۷).

برخی نویسندگان اهل سنت نیز مجازات حواء را علاوه بر مواردی که با آدم شریک بوده، تا پانزده مورد شمرده‌اند، مانند: حیض، سنگینی حمل، درد زایمان، نقصان عقل و دین، نصف بودن ارثیه، لزوم عده نگه داشتن هنگام طلاق و اینکه هیچ نبی و سلطانی، زن نیست (ثعلبی، ۲۰۰۹، ص ۳۲ و ۳۳). برخی نیز تنها بعضی از این موارد را شمرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۷۲ و سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۵۴). ابن زید می‌گوید: اگر کار حواء نبود، زنان در این دنیا، قاعده نمی‌شدند، عاقل بودند، آسان حامله می‌شدند و آسان می‌زاییدند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۷۴).

مفسران و پژوهشگران، ضمن رد این اخبار، آنها را در شمار اسرائیلیاتی دانسته‌اند که از طریق مسلمانان یهودی‌الاصل برای ترویج تورات وارد اسلام شده‌اند و قائلند که در روایات صحیح و معتبر، چیزی در مورد این خطاب نیامده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۱۳؛ رازی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۱۵ و قاسمی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۹).

طبق آنچه بیان شد مشخص می‌شود که حواء نقشی در وسوسه آدم نداشته و شیطان، هر دوی آنها را وسوسه کرده است. همچنین روایاتی که دال بر این هستند که حواء باعث گناه آدم شد، اسرائیلیاتی هستند که نمی‌توان به آنها اعتماد کرد.

## ۷. هبوط حواء

آدم و حواء بعد از خوردن از درخت ممنوعه از بهشت رانده شدند و به زمین هبوط کردند (بقره: ۳۸). در مورد مکان فرود آمدن آنها به زمین، چند نظر بیان شده است:

الف) طبق حدیثی از امام صادق علیه السلام، آدم بر کوه صفا فرود آمد و صفا نامیده شد چون صفوة الله بر آن نازل شده است. حواء نیز بر کوه مروه فرود آمد که به سبب فرود مرأة (زن) بر آن، به این نام نامیده شد (راوندی، ۱۴۰۹، ص ۴۵؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۴؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۸۱ و عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۶۱). براساس روایتی از امام باقر علیه السلام آدم بر کوه صفا و حواء بر کوه مروه هبوط کردند که چون آدم برای دیدار حواء به سوی کوه مروه رفت و این کار را سه بار تکرار کرد، این عمل به عنوان سعی میان صفا و مروه در شمار اعمال حج شناخته شد (عباشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۵).

ب) بنابر قولی دیگر، مکان هبوط آدم، هند و مکان هبوط حواء، جدّه می باشد (طبری، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۸۱؛ زهری، بی تا، ج ۱، ص ۱۵؛ رسولی محلاتی، ۱۳۶۱، ص ۱۷؛ ثعلبی، ۲۰۰۹، ص ۳۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۵۷ و شبستری، ۱۳۷۹، ص ۱۲). برخی مفسران بدون ذکر دلیل، اخبار تعیین کننده مکان هبوط آدم و حواء را از اسرائیلیات دانسته اند (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۷۹).

## ۸. تعداد فرزندان حضرت حواء

طبق روایات، درباره فرزندان حضرت حواء چند نظر وجود دارد:

الف) بیست دو قلو ی پسر و دختر؛ یعنی بیست دختر و بیست پسر (طبری، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۹۴؛ جزایری، ۱۴۲۳، ص ۶۳ و سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۱۶).

ب) هفتاد دو قلو (جزایری، ۱۴۲۳، ص ۶۳ و شبستری، ۱۳۷۹، ص ۳۲۹).

ج) صد و بیست فرزند (طبری، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۹۸).

د) در پانصد زایمان، هزار بچه آورده است (سیدمرتضی، ۱۴۲۸، ج ۴، ص ۱۳۸؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۹۶؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۶۲۴ و قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۲۶۲). این نظر از حیث عقلی نیز پذیرفته است؛ زیرا چنانچه در بحث بعدی خواهد آمد اقوام پیشین، از جمله حضرت حواء، عمر زیادی داشته اند و با توجه به اینکه در هر شکم، دو قلو می آورده اند، اگر در هر سال نیز زایمان داشته باشند، می توانند این تعداد فرزند داشته باشند.

## ۹. مدت عمر و مکان دفن حواء

براساس روایات، حضرت حواء، یک سال بیشتر از حضرت آدم زنده بوده و در جوار همسرش به خاک سپرده شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۲۶۹؛ رسولي محلاتی، ۱۳۶۱، ص ۲۹؛ جزایری، ۱۴۲۳، ص ۶۸؛ ثعلبی، ۲۰۰۹، ص ۴۶ و طریحی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۷۷). لذا با دانستن مدت عمر و مکان دفن حضرت آدم می‌توان به عمر و مکان دفن حواء پی برد.

در روایات درباره مدت عمر حضرت آدم چند قول بیان شده است:

(الف) نهصد و سی سال (طبری، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۱۰۷؛ کرمانشاهی، ۱۳۸۳، ص ۵۱؛ رسولي محلاتی، ۱۳۶۱، ص ۲۸ و جزایری، ۱۴۲۳، ص ۶۸).

(ب) نهصد و سی و شش سال (رسولي محلاتی، ۱۳۶۱، ص ۲۸ و طبری، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۱۰۷).

(ج) هزار سال (ثعلبی، ۲۰۰۹، ص ۴۵؛ رسولي محلاتی، ۱۳۶۱، ص ۲۸؛ جزایری، ۱۴۲۳، ص ۶۸ و طبری، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۱۰۵).

(د) هزار و سی سال (رسولي محلاتی، ۱۳۶۱، ص ۲۸ و جزایری، ۱۴۲۳، ص ۶۸).

(ه) هزار و چهل سال (رسولي محلاتی، ۱۳۶۱، ص ۲۸).

در مورد مکان دفن ایشان نیز چند نظر مطرح است:

(الف) مکه (کرمانشاهی، ۱۳۸۳، ص ۵۱؛ ثعلبی، ۲۰۰۹، ص ۴۶ و شبستری، ۱۳۷۹، ص ۱۲).

(ب) بیت المقدس (ثعلبی، ۲۰۰۹، ص ۴۶ و طبری، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۱۰۹).

(ج) غاری در کوه ابوقییس (مجلسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۲۵؛ رسولي محلاتی، ۱۳۶۱، ص ۲۸؛ جزایری، ۱۴۲۳، ص ۶۸؛ ثعلبی، ۲۰۰۹، ص ۴۶؛ طبری، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۱۰۹ و شبستری، ۱۳۷۹، ص ۱۲).

(د) نجف (رسولي محلاتی، ۱۳۶۱، ص ۲۸ و شبستری، ۱۳۷۹، ص ۳۳).

(ه) کوه سرانندیب در هند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۹۷).

(و) کوه نود در هند (ثعلبی، ۲۰۰۹، ص ۴۶).

(ز) مسجد خیف (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۶۲).

(ح) به گزارش برخی سایت‌ها، جده، محل هیوط حواء و منزل و مدفن وی دانسته شده است. قبر

ایشان در قبرستانی بیرون شهر و در یک کیلومتری دروازه شهر واقع شده و سه گنبد بر سر، شکم

و پای ایشان قرار دارد. ابن مجاور ساخت اولین آرامگاه بر قبر حواء را به ایرانیان نسبت داده

است. با تسلط وهابیان بر جده، این گنبدها ویران شد (سایت شیعه نیوز. [www.shia\\_news.com](http://www.shia_news.com)). قبر حواء به طول شصت متر است (سایت آپارات [www.aparat.com](http://www.aparat.com)).

## نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان می‌دهد به علت آفرینش حواء از باقی مانده گل موجود زنده (آدم) و یا به دلیل اینکه حواء در آینده، مادر همه انسان‌های زنده خواهد بود، این نام بر آن بانو نهاده شده است و معنای اصطلاحی این نام، به ریشه لغوی در عربی ربطی ندارد. مشهورترین کنیه حضرت، ام‌البشر است که در تعداد زیادی از روایات آمده و صفات مطهره، مفضله و متردده در دعای ام‌داود برای ایشان ذکر شده است. زمان خلقت ایشان بعد از خلقت آدم و مکانش طبق نظر برخی، بیرون بهشت و طبق نظر بعضی، داخل بهشت بوده است.

در قرآن درباره کیفیت خلقت ایشان تصریحی نشده است؛ ولی طبق روایات، خداوند گلی را فراهم کرده و با بخشی از آن، بدن آدم و با بخشی دیگر، بدن حواء را آفریده است؛ اما اینکه در قرآن گفته شده: «وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» منظور این است که خداوند حواء را از جنس آدم خلق کرده است. روایاتی که دال بر خلقت حواء از دنده چپ آدم هستند، اسرائیلیات بوده که قابل استناد نیستند و دلایل رد آنها نیز مطرح شد.

در قرآن، حرفی از ازدواج آدم و حواء بیان نشده و فقط در آیاتی، حواء را با عنوان زوج آدم مطرح کرده است؛ اما در روایات، میزان مهریه حواء شامل تعلیم آموزه‌های دین، سه بار صلوات بر محمد و آل محمد و یا ده بار صلوات بر ایشان مطرح گردیده است.

درباره گناه نخست و خوردن از درخت ممنوعه، حواء نقشی در وسوسه آدم نداشته و شیطان هر دو را وسوسه کرده است و روایاتی که حواء را باعث گناه آدم دانسته‌اند، اسرائیلیاتی می‌باشند که قابل اعتماد نیستند. آدم و حواء بعد از ارتکاب گناه از بهشت رانده شده و به زمین هبوط کردند که در روایات، مکان هبوط ایشان، صفا و مروءه یا هند و جدّه گفته شده است.

تعداد فرزندان حواء، چهل، صد و چهل، صد و بیست و هزار بیان شده و مدت عمر ایشان یک سال بیشتر از آدم و مکان دفن نیز کنار قبر آدم بوده است.



## فهرست منابع

### الف. کتاب ها

#### قرآن

#### مفاتیح الجنان

۱. کتاب مقدس، ۱۹۵۴م. سفر پیدایش، لندن: بی نا،
۲. ازهری، محمد بن احمد، ۱۴۲۲ق، معجم تهذیب اللغة، بیروت: دار المعرفة.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۵ش، علل الشرائع، قم: کتابفروشی داوری.
۴. \_\_\_\_\_، ۱۴۱۳ق، من لا یحضره الفقیه، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۸ق، عیون اخبار الرضا، تهران: نشر جهان.
۶. ابن عاشور، محمد بن طاهر، بی تا، التحریر و التنویر، بی جا: بی نا.
۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹ق، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۲۰۰۰م، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۹. احمدی خراسانی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۸۰ش، حواء بانوی بهشتی، قم: انتشارات نورالسجاد.
۱۰. آلوسی، محمود، ۱۴۱۵ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۱. انیس، ابراهیم، و دیگران، بی تا، المعجم الوسیط، استانبول: دار الدعوه.
۱۲. بحرانی، هاشم، ۱۴۱۵ق، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه البعثت.
۱۳. پاینده، ابوالقاسم، بی تا، نهج الفصاحه، تهران: دنیای دانش.
۱۴. ثعلبی، احمد بن محمد، ۲۰۰۹م، قصص الانبیاء المسمی عرائس المجالس، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۵. جزایری، نعمت الله، ۱۴۲۳ق، النور المبین فی قصص انبیاء المرسلین، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸ش، تفسیر تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۹۹ق، تاج اللغة و صحاح العربیه، بیروت: دار العلم للملایین.
۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۹. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، بی تا، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار المکتبه الحیاه.
۲۰. خوری شرتونی، سعید، ۱۴۱۶ق، اقرب الموارد فی فصح العربیه الشوارد، قم: دار الاسوه للطباعه.
۲۱. درید، محمد بن الحسن، بی تا، جمهره اللغة، بیروت، دار العلم للملایین.
۲۲. رازی، فخرالدین، ۱۴۲۰ق، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۳. رازی، ابوالفتوح، ۱۴۰۸ق، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۹ق، بی تا، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دار القلم.
۲۵. راوندی، قطب الدین، ۱۴۰۹، قصص الانبیاء، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
۲۶. رسولی محلاتی، هاشم، ۱۳۶۱ش، قصص قرآن یا تاریخ انبیاء، بی جا: انتشارات علمیه اسلامیه.



۲۷. رشیدرضا، محمد، ۱۴۱۴ق، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر به تفسیر المنار، بیروت: دار المعرفه.
۲۸. زحیلی، وهبه، ۱۴۱۱ق، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، دمشق: دار الفکر.
۲۹. زمخشری، محمود، ۱۴۰۷ق، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی.
۳۰. \_\_\_\_\_، ۲۰۱۰م، اساس البلاغه، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۱. زهری، محمد بن سعد، بی تا، الطبقات الکبری، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۲. سبحانی، جعفر، بی تا، منشور جاوید، قم: موسسه امام صادق علیه السلام.
۳۳. سبزواری، محمد، ۱۴۰۶ق، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۳۴. سیدمرتضی، ابی القاسم، ۱۴۲۸ق، امالی، قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
۳۵. سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ق، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله العظمی المرعشی.
۳۶. شبستری، عبدالحسین، ۱۳۷۹ش، اعلام القرآن، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۷. شیرازی، صدرالدین، ۱۴۱۵ق، تفسیر القرآن الکریم، قم: انتشارات بیدار.
۳۸. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۹. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۰ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، گروه مترجمان، تهران: انتشارات فراهانی.
۴۰. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۴۱. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۵۸ق، تاریخ الامم والملوک، ارومیه: منشورات مکتبه ارومیه.
۴۲. \_\_\_\_\_، ۱۴۱۲ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه.
۴۳. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۴. طریحی، فخرالدین، ۱۴۱۴ق، مجمع البحرین، تهران: موسسه بعثت.
۴۵. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، تفسیر نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۴۶. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ق، تفسیر العیاشی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۴۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۵ق، العین، قم: دار الهجرة.
۴۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، بی تا، قاموس المحيط، بیروت: دار الجیل.
۴۹. فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵ق، تفسیر صافی، تهران، مکتبه الصدر.
۵۰. قرشی، علی اکبر، ۱۳۵۲ش، قاموس قرآن، بی جا: دار الکتب الاسلامیه.
۵۱. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷ش، تفسیر قمی، قم: دار الکتب.
۵۲. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، ۱۳۶۸ش، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵۳. کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ق، تفسیر فرات کوفی، تهران: موسسه الطبع و النشر فی وزارت الارشاد الاسلامی.
۵۴. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۵. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۵ش، حیوه القلوب، قم: انتشارات سرور.

۵۶. محمد قاسمی، حمید، ۱۳۸۰ش، اسرائیلیات و تأثیر آن بر داستان های انبیاء در تفاسیر قرآن، تهران: سروش.
۵۷. مراغی، احمد مصطفی، بی تا، تفسیر المراغی، بیروت، دار الفکر.
۵۸. مصطفوی، حسن، ۱۴۱۶ق، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی.
۵۹. مغنیه، محمد جواد، ۱۴۲۴ق، التفسیر الکاشف، قم: دار الکتب الاسلامی.
۶۰. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، الاختصاص، قم: المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید.
۶۱. مقرئ فیومی، احمد بن علی، ۱۴۲۵ق، مصباح المنیر، قم: دار الهجرة.
۶۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۶۳. مهری کرمانشاهی، محمد جواد، ۱۳۸۳ش، مجموعه کامل قصه های قرآن، قم: انتشارات مشرقین.
۶۴. میبدی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱ق، کشف الاسرار و عدة الابرار، تهران: امیر کبیر.
۶۵. نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۶۶. هاکس، قاموس مقدس، ۱۳۸۳ش، تهران: انتشارات اساطیر.

#### ب. پایگاه اینترنتی

۱. سایت آپارات. [www.aparat.com](http://www.aparat.com)
۲. سایت شیعه نیوز. [www.shia-news.co](http://www.shia-news.co)